



آسیب شناسی تعاون و همکاری در ایران/ شوراها نمونه تعاون سیاسی است

یک عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به اینکه در زمانی که قانون اساسی تنظیم می شد نظر به تعاونی ها در حوزه اقتصادی بسیار مورد توجه بود...

پارسانیا در گفتگو با مهر؛

آسیب شناسی تعاون و همکاری در ایران/ شوراها نمونه تعاون سیاسی است

یک عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به اینکه در زمانی که قانون اساسی تنظیم می شد نظر به تعاونی ها در حوزه اقتصادی بسیار مورد توجه بود گفت: مشارکت سیاسی را در دست شوراها داشتیم که در این مسئله در مراتب مختلف نظام به صور مختلف دیده می شد و مشارکت در شوراهای شهر و موارد دیگر بود که به تدریج این روحیه تعاون و همکاری نهادینه شد. در زمینه مشارکت فرهنگی که اصلاً انقلاب با حضور همگانی مردم شکل گرفت.

حجت الاسلام حمید پارسانیا در مورد جایگاه تعاون و همکاری در آموزه های دینی به خبرنگار مهر گفت: یکی از آیات قرآن مستقیماً امر به تعاون می کند و تعاونوا علی البرّ والتقوی ولا تعاونوا علی الإثم والعُدوان، تعاون در نیکی را امر کرده منتها در گناه نباید همکاری کرد. درباره این آیه فقها بحث های فقهی کرده اند. وقتی که سخن از همکاری می شود نوعی از مدیریت و عقلانیت متناسب با خودش را هم طلب می کند اما نکته ای که در اسلام مطرح است این است که این عقلانیت را در خدمت ارزش های مربوط به خودش می بیند یعنی در جهت بر باید باشد.

وی ادامه داد: کسانی که اهداف غیر اخلاقی و غیر انسانی هم دارند همکاری و تعاون می کنند انسان بدون همکاری اجتماعی با دیگران نمی تواند هیچ فعالیت و ارتباط اجتماعی داشته باشد.

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره وضعیت کشور در خصوص روحیه تعاون و همکاری نیز عنوان کرد: تعاون را گاهی به معنای کلی به کار می بریم که به معنای تعامل اجتماعی است. یعنی طرفینی که با هم تعامل دارند مشارکت فعالانه و تعیین کننده با همدیگر دارند و در عرض همدیگر قرار می گیرند. این مسئله در حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می تواند مطرح شود.

پارسانیا با بیان اینکه در زمانی که قانون اساسی تنظیم می شد نظر به تعاونی ها در حوزه اقتصادی بسیار مورد توجه بود گفت: شهید بهشتی در آن زمان در طرحی درباره این مسئله فعلانه اقدام کرد. مشارکت سیاسی را در دست شوراها داشتیم که در این مسئله در مراتب مختلف نظام به صور مختلف دیده می شد و مشارکت بود و در شوراهای شهر و موارد دیگر به تدریج این روحیه تعاون و همکاری نهادینه شد. در زمینه مشارکت فرهنگی که اصلاً انقلاب با حضور همگانی مردم شکل گرفت و به تعبیر حضرت امام(ره) آن چیزی که امروز در شهرهای بزرگ گفته می شود در روستاها هم گفته می شود. همه فعال و همگام بودند. البته زمینه این مشارکت فرهنگی در بستر معرفت و اهداف دینی بود که شکل گرفت و تداوم آن هم در ضلع این اهداف به صورت متناسب خودش در جامعه ممکن است.

وی در مورد اینکه دلایل پائین بودن روحیه تعاون و همکاری در جامعه ما چیست هم تصریح کرد: در بخشی از حوزه ها روحیه تعاون و همکاری در جامعه پایین است و دچار آسیب هستیم ولی در برخی حوزه ها این روحیه بالا است. این مسئله به واسطه هر یک از حوزه ها علل خاص خودش را دارد. تعاون گاهی در سطح سیستم اجتماعی است گاهی در حوزه انسجام اجتماعی و نه سیستم اجتماعی است یعنی بین مردم است. جامعه ما در مقایسه با دیگر جوامع اسلامی حوزه انسجام اجتماعی و ارتباطات انسانی اش بسیار فعال تر و قوی تر است. چه بسا مشکل در نظام و سیستمهای این تعاملات و ساختارهای مربوطه باشد که در حوزه مدیریت آن است که آسیب هایی بیشتر آن را تهدید می کند.

وی ادامه داد: شاید بخشی از دلیل کم بودن تعاون و همکاری در بخشهایی در جامعه ما این باشد که این الگوی مدیریت ارتباطات انسانی از دل این فرهنگ بر نمی خیزد و وقتی این سازگار نباشد با چالش و بحران روبرو خواهیم شد.

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره اینکه چگونه می شود تعاون و همکاری را در سطوح مختلف اجتماعی نهادینه کرد هم گفت: تعاون چه اقتصادی و چه سیاسی باشد یک هویت انسانی دارد که در ضلع نظام معنایی اش شکل می گیرد. اگر آن نظام معنایی تعاون را درست شناسیم و تعاون ن را در بستر این نظام معنایی شکل ندهیم گرفتار این مشکل خواهیم شد. نمونه اش هم در آیه تعاون است. بلافاصله تعاون را با صحتی که روی آن وجود دارد بیان می کند تعاونو علی البر یعنی این بر و نیکی به معنای قرآن و مفهوم دین و معنوی آن باید در پیشاپیش و پیشرویی تعاون بدرخشد.

پارسانیا با بیان اینکه یعنی افرادی که می خواهند همکاری کنند آن هدفی که مقصودشان است به این تعاون جهت و سمت و سو می دهدگفت: انسان مدرن تعاون اش متوجه اهداف دنیوی محض است و به این هدف ها هم بدون همکاری و تعاون نمی شود رسید. منتها هویت این معنا این است که وقتی همکاری انجام می شود درمعنایی که وحدت را ایجاد می کند در دل خودش کثرت و تفرقه ایجاد می کند که آنها را به سوی یک سیستم و انسجام بیشتر سوق می دهد. هرچه سیستم و انسجام سیستم فعال تر می شود ارتباطات انسانی اش ضعیف تر می شود و تعامل های انسانی دست می دهد. این نکته ای است که برخی از جامعه شناسان غربی به آن اذعان کرده اند.

وی افزود: تعبیر قرآن در این مورد این است که *تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ* وقتی که سیستم و انسجام سیستمی را نگاه می کنید آنها را بسیار منسجم می بینید حال اینکه قلوب آنها متفرق است و این به دلیل این است که آنها اهل تعقل نیستند نه اینکه تعقل ابزاری نداشته باشند بلکه اهداف و آرمانهایشان عقلانیتی که ناظر به هدف و آرمانها باشد در این نگاه وجود ندارد.